

عوامل لازم برای نوآوری در نگارش نمایشنامه / ترانه جوانبخت

عوامل لازم برای نوآوری در نگارش نمایشنامه

ترانه جوانبخت



(img/news/lg/10249.jpg)

نگارش نمایشنامه یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های ادبی است که برای آن نیاز به داشتن مهارت‌های مختلف است. یکی از عوامل لازم برای نوآوری در نمایشنامه‌نویسی داشتن دانش کافی برای آن است. عوامل دیگر برای نوآوری در نگارش نمایشنامه، داشتن استعداد، انگیزه و پشتکار است. نوآوری در نمایشنامه‌نویسی بر یکی از این چهار محور میبایست: ۱. نوآوری در محتوا و پرداختن به موضوع‌هایی که توسط دیگران نوشته نشده، ۲. ایجاد فرم و یا ساختار جدید در نمایشنامه، ۳. استفاده از عناصر جدید در نگارش متن نمایشنامه و ۴. ایجاد مفاهیم جدید در تئاتر. از این چهار نوع نوآوری، نوع چهارم آن از بقیه دشوارتر است و ذهنیت خاص نویسنده‌های معدودی در تاریخ تئاتر را نشان می‌دهد، نویسندگانی که مفاهیم موجود در تئاتر را برای سالیان متمادی دستخوش تغییرات بنیادین کردند. در این مقاله پس از بررسی مهارت‌های لازم برای نمایشنامه‌نویسی، به تحلیل این چهار نوع نوآوری در نگارش نمایشنامه خواهیم پرداخت.

یکی از مهم‌ترین مهارت‌های نویسنده در نگارش نمایشنامه در نحوه چینش شخصیت‌ها و فضاهای دیالوگ‌ها میباید. اگر نمایشنامه‌نویس به تعلق قصه در نمایشنامه نیز بپردازد و با ایجاد کردن پرسش در ذهن مخاطب و بدون پاسخ قرار دادن او این تعلق را در نمایشنامه ایجاد کند مسلماً در نگارش آن موفق‌تر خواهد بود. از دیگر مهارت‌های یک نمایشنامه‌نویس، نکته‌سنجی برای یافتن موضوع‌های مهم و جالب است که انگیزه‌ی مخاطبان را برای خواندن نمایشنامه بیشتر کند. در عین حال با اجرای آن روی صحنه نیز مخاطبان علاقه‌ی بیشتری به پیگیری سرنوشت شخصیت‌های نمایشنامه خواهند داشت. نمایشنامه‌نویس لازم است با تاریخ کشورها آشنایی داشته باشد تا بتواند در باره برحده‌های مختلف تاریخی متن‌های جالب بنویسد تا با اجرای متن‌های تاریخی روی صحنه بتواند مردم کشورها را با رویدادهای تاریخی آشنا کند. برای این منظور صرفاً مطالعه کتاب‌های تاریخی کافی نیست و بهتر است او با مردم کشورهای مختلف و فرهنگ‌هایشان آشنایی پیدا کند. به این دلیل کسانی که صرفاً در یک کشور زندگی نمی‌کنند و با مردم کشورهای مختلف در تماس هستند می‌توانند بهتر تاریخ کشورهای مختلف را در نمایشنامه‌هایشان منعکس کنند. هر رشته‌ای ارزش خاص خود را دارد و اگرچه با پرداختن به علوم می‌توان جان افراد بشر را نجات داد، با پرداختن به فلسفه می‌تواند تعاریف و کاربردهای جدید برای مفاهیم ایجاد کرد، با هنر می‌توان روح بشر را طراوت بخشید و با نوشتن مقاله در زمینه حقوق بشر و جنبش زنان که باید و باید کانون فعالیت‌ها باشد می‌توان به افراد بشر در این موارد آگاهی داد، اما پرداختن به نمایشنامه‌نویسی حسنی دارد که این رشته‌ها ندارند. مزیت نمایشنامه‌نویسی این است که می‌توان به یمن آن مردم دنیا را از تاریخ کشورها آگاه کرد و این مورد را نمی‌توان با علوم و فلسفه کرد. برخی افراد که به دیدن تئاتر علاقمند هستند، به مطالعه کتاب‌های تاریخی علاقه‌ای ندارند و دیدن تئاتر می‌تواند برای آشنا کردنشان با تاریخ کشورها بسیار موثر باشد. به علاوه ممکن است با مطالعه یک کتاب، تاریخ از ذهن آنها فراموش شود اما صحنه‌های تئاتر برای سالیان سال در ذهنشان می‌ماند. به این دلیل استفاده از رویدادهای تاریخی به عنوان یکی از انواع نوآوری از نظر محتوا در نمایشنامه بسیار مهم است. فرم و یا ساختار جدید در نمایشنامه را می‌توان با ایجاد تغییر در بخش‌های گوناگون آن به وجود آورد. به هم ریختن برخی از قسمتهای آن و یا بازگشت حوادث در نمایشنامه می‌تواند برای این منظور به کار رود. استفاده از عناصر جدید یکی دیگر از راه‌کارهای نوآوری در نمایشنامه‌نویسی است. این عناصر نباید قبلاً مورد استفاده‌ی دیگر نمایشنامه‌نویسان قرار گرفته باشد تا استفاده از آنها در نگارش نمایشنامه نوعی نوآوری محسوب شود. همانطور که در ابتدای این مقاله اشاره کردم استفاده از مفاهیم جدید در تئاتر مشکل‌ترین نوع نوآوری در این زمینه است که در واقع تکامل کار هنری یک نمایشنامه‌نویس را نیز در نوشته‌هایش منعکس می‌کند.

برای بررسی دقیق‌تر این چهار محور نوآوری در نگارش نمایشنامه، چند نمونه از نمایشنامه‌های مختلف را بررسی می‌کنم.

هنریک ایبسن نمایشنامه‌نویس نروژی نمایش نامه‌ای به نام "مرغابی وحشی" نوشته که در آن می‌توان نوآوری در محتوای نمایشنامه را یافت. ایبسن در این نمایشنامه به نقد بورژوازی پرداخته و بدبختی این طبقه از جامعه را علیرغم ثروتمندی‌شان نشان داده است. او دوری از اصول اخلاقی را دلیل اصلی این بدبختی می‌داند. خرافات از دیگر مواردی است که ایبسن آن را مورد انتقاد قرار داده است. او با استفاده از طنز خرافه‌باوری را در این نمایشنامه بیان کرده است. این نویسنده از نظر فلسفی تحت تاثیر دیدگاه‌های اخلاقی کانت بوده است. همان طور که کانت اخلاق‌مداری را در صداقت می‌دانست ایبسن نیز این ویژگی اخلاقی را باعث خوشبختی بشر می‌داند. خواننده نمایشنامه "مرغابی وحشی" می‌تواند فلسفه اجتماعی ژان ژاک روسو را نیز در این اثر ادبی بیابد. روسو که از دیگر فیلسوفان است معتقد بود که جامعه عشق به خود را که در هر فرد بشر وجود دارد تبدیل به غرور می‌کند. ما این تبدیل درونی را در وول پدر و پسر در این نمایشنامه می‌بینیم. در واقع می‌توان این مورد را اثر منفی جامعه مدرن بر بشر در نظر گرفت که در این نمایشنامه مورد نظر ایبسن نیز بوده است. نقد مدرنیته و سنت ادغام تقلب و خرافات و نیز انتخاب مرغابی وحشی به عنوان نمادی برای توصیف شخصیت‌ها این نمایشنامه را اثری ماندگار کرده است.^{۱۲}

نوآوری در ساختار نمایشنامه را می‌توان در نمایشنامه ساموئل بکت نویسنده ایرلندی با عنوان "در انتظار گودو" یافت. این نویسنده سرگردانی بشر امروز را در این اثر ادیبی به تصویر کشیده است. او در دو شخصیت اصلی این نمایشنامه به نام‌های استراگون و ولادیمیر انتظار پوچ و بی‌نتیجه برای آمدن شخصی به نام گودو را به گونه‌ای نوشته که هر دفعه که این دو نفر از آمدن گودو ناامید می‌شوند، سلسله عواملی دست به دست هم می‌دهد تا امیدی واهی در این دو نفر آنها را به ادامه این انتظار بکشانند. ساختار این نمایشنامه شامل یک ترکیب جدید از سه شخصیت پوتزو و لاکو و پسری است که در راه وارد می‌شوند. در واقع گودو در این نمایشنامه حضور دارد اما وارد آن نشده است زیرا بکت نیازی نداشت شخصیت گودو را وارد صحنه کند تا ما به رفتار و نحوه برخورد او با دیگران پی ببریم بلکه این نویسنده با زیرکی و درک درست از خلق یک شخصیت خیالی به اسم گودو او را در سه شخصیت دیگر یعنی پوتزو و لاکو و پسر جای داد و گودو را به عنوان شخصیت مطابق، متضاد و مکمل این سه شخصیت درآورد. شخصیت پوتزو از نظر بی‌رحمی با گودو هم‌خوانی و مطابقت دارد ولی

شخصیت لاکي از نظر بي‌ارادگي برعكس شخصيت اراده‌مند گودو است و شخصيت اميدبخش پسر مكممل شخصيت انتظاردهنده گودو مي‌باشد. اين سه نفر با هم مجموعاً گودو را تشكيل مي‌دهند. ساختار اين نمايشنامه در واقع متأثر از اين سه بعد شخصيت گودو است كه در رفت و برگشت‌هاي مستمر به ذهن مخاطب منتقل مي‌شوند. اين نوع نگاه به گودو در هيچ يك از تحليل‌هاي اين نمايشنامه تا به حال مطرح نشده و لازم است نوآوري اين نويسنده را با گودوي خيالي در نظر گرفت.^{۳،۴}

نوع دوم از نوآوري در نگارش نمايشنامه با ايجاد تغيير در فرم و ساختار متن از ديگر ويژگي‌هاي نمايشنامه‌هاست كه كمتر در آثار نويسندگان ديده مي‌شود. اين نوع نوآوري به عنوان مثال وارد كردن متن در متن يا وارد كردن بازبگراي نمايش در متن‌هاي پي‌درپي نمايشنامه و خارج كردنشان از آنها نيز همانند ساير نوآوري‌ها در نگارش نمايشنامه مهم است و بايد در نوشتن آثار ادبي از آن بهره برد.

نوع سوم از نوآوري در نگارش نمايشنامه با ايجاد عناصر جديد است. نمايشنامه "در انتظار گودو" نوشته بكت شامل اين نوع نوآوري نيز مي‌باشد زيرا حذف يك شخصيت (گودو) و گنجاندن آن در سه شخصيت نمايشنامه همان‌طور كه در اين مقاله توضيح دادم يك عنصر جديد در نمايشنامه‌نويسی محسوب مي‌شود كه از اين نظر اين نمايشنامه با ساير نمايشنامه‌ها متفاوت است.

نوآوري در ايجاد مفهوم جديد در تئاتر به عنوان چهارمين نوع نوآوري در نگارش نمايشنامه مشكل‌ترين نوع نوآوري در نگارش نمايشنامه است و بسيار كمتر از سه نوع نوآوري ديگر در نمايشنامه‌هاي نويسندگان ديده مي‌شود. به عنوان مثال دادن ابعاد غير حاضري به بازبگراي و يا سياليت مفهوم صحنه در تئاتر از اين نوع نوآوري ادبي است.^۵

كوكتو در نمايشنامه‌اش با عنوان "والدين وحشتناك" به شرح زندگي يك خانواده چهار نفره پرداخته و نگاه سنتي خانواده‌هاي فرانسوي را در باره ازدواج فرزندانشان به تصوير كشيده است. كوكتو تمايل به نظم و بي‌نظمي را در شخصيت‌هاي اين نمايشنامه در نظر گرفته است. ميشل يكي از شخصيت‌هاي نمايشنامه بسيار بي‌نظم است و وسايلش روي زمين است و مادر و خاله اش از او به همين دليل ناراضي هستند اما مادلن بسيار منظم است و خانه‌اش ظاهري مرتب دارد. نظم و بي‌نظمي به عنوان دو قطب مخالف هم كش و قوس سرنوشت ميشل و مادلن را سبب مي‌شود. ككش و احترام ظاهري لئو به مادلن در ابتدا و سپس تغيير تصميم او براي برهم زدن ازدواج مادلن با ميشل را مي‌توان در همين تاثير جستجو كرد. مادلن به لئو وعده مي‌دهد كه زندگي او با ميشل سبب ايجاد نظم در زندگي ميشل شود و اين تاثير در رويح ميشل مثبت است اما لئو زير بار وعده مادلن نمي‌رود. اين زير بار نرفتن به تمايل ثانوي لئو به بي‌نظمي مربوط است كه سال‌ها خودش را از آن دور کرده بود و با صرف دقت به اداره زندگي خانواده ايون پرداخته بود. يعني اين بازگشت دروني لئو به بي‌نظمي يك بازگشت خود به خودي است كه در همه وجود دارد و بايد با صرف انرژي در جهت روند رو به نظم قرار گيرد. كوكتو از به نمايش گذاشتن شخصيت لئو سعي در به تصوير كشيدن اين جريان خود به خود بي‌نظمي در انسانها دارد. كوكتو مي‌خواهد به ما بگويد ما همه بي‌نظم هستيم و اگر نظم در زندگي‌مان ديده مي‌شود به اين دليل است كه با ككش دروني و تمايل به بي‌نظمي‌مان مبارزه مي‌كنيم و انرژي صرف مي‌كنيم تا نظم را به جاي بي‌نظمي برقرار كنيم. اين همان فرايند رفت و برگشت خود به خودي به سمت بي‌نظمي و صرف انرژي به سمت نظم است كه در جهان ديده مي‌شود و جهان را در هر لحظه وسعت مي‌دهد. كوكتو خواسته در اين نمايشنامه بخشي از اين فرايند همگاني را در خانواده‌اي كم‌جمعيت نشان دهد. با وجود استفاده كوكتو از مفاهيم نظم و بي‌نظمي در به تصوير كشيدن شخصيت‌هاي اين نمايشنامه، او اين مفاهيم را در اين اثر ادبي براي شكل دادن نوع جديدي از تئاتر به كار نگرفت.

ضمناً زمان در اين نمايشنامه به صورت خطي پيش مي‌رود و برگشت به گذشته جز در روايت‌هاي خاطرات خانواده ديده نمي‌شود. شخصيت‌هايي كه او در اين نمايشنامه به كار گرفت چندانگانه نيستند و هر کدام فقط در يك نقش ظاهر مي‌شوند.^{۶،۷}

منابع:

۱ Henrik Ibsen, Drame contemporains, La Pochothèque, Paris, 2005

۲ روزنامه روزان، شماره ۱۸۸۷، صفحه ۵، سال انتشار ۱۳۸۹.

۳ Samuel Beckett, Waiting for Godot, Grove Press, New York, 1982

۴ روزنامه روزان، شماره ۱۶۷۱، صفحه ۶، سال انتشار ۱۳۸۸.

۵ مقاله من درباره چهار نوع نوآوري توضيح داده شده در اين مقاله از جمله استفاده من از موضوع‌هاي تاريخي و حروف ابجد، تغيير در ساختار نمايشنامه و پيشنهاده من در سياليت مفهوم صحنه در تئاتر با استفاده‌اي من از مفاهيم فيزيكي و غيرفيزيكي براي صحنه نمايش در اين لينك موجود است

http://javanbakht.net/Taraneh%20Javanbakht-Maghaaleh-Noavari_dar_negaareshe_namayeshnameh.pdf
(http://javanbakht.net/Taraneh%20Javanbakht-Maghaaleh-Noavari_dar_negaareshe_namayeshnameh.pdf)

۶ Les parents terribles, Jean Cocteau, Gallimard, Paris, 1987

۷ در پاسخ به مخاطبان، نقدهاي نمايشنامه‌هاي سه نويسنده يعني ايبسن، بكت و كوكتو در متن جديد اين مقاله وارد شد.

اختصاصي مد و مه

مد و مه/چهارشنبه ۰۴ تير ۱۳۹۹

واژگان:

مهارت‌هاي نمايشنامه‌نويسی (site/tag/tag/28388.htm/)

نمايشنامه‌نويسی (site/tag/tag/28387.htm/)

ترانه جوانبخت (site/tag/tag/4916.htm/)

نوآوري در نمايشنامه‌نويسی (site/tag/tag/28389.htm/)